

عنوان مقاله:

بنیاد هستی شناختی اندازه گیری روانی

محل انتشار:

فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، دوره 20، شماره 79 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

حسن بلند

خلاصه مقاله:

به رغم گذشت ۱۵۰ سال از آغاز برنامه اندازه گیری خصیصه های روانی و افزایش کاربرد آن، هنوز نسبت به امکان پذیری اندازه گیری روان شناختی تردیدهای تغافل ناپذیری وجود دارد. بخش عمده ای از این تردیدها را می توان با مفهوم تاریخی «ایراد کمیت»، که هنوز هم در دو وجه هستی شناختی و معرفت شناختی، اعتبار و کارآیی خود را حفظ کرده اند، توضیح داد. بر مبنای ایراد هستی شناختی کمیت، کمیت پذیری از ویژگی های جسم است و نمی توان آن را به روان که از لحاظ هستی شناختی به حیطه ی متفاوتی تعلق دارد، تعمیم داد. مسئله پژوهش حاضر بازشناسی تلاش دنبال کنندگان «برنامه روان شناسی علمی» عموماً و اندازه گیری روان شناختی، خصوصاً برای چالش با این ایراد است. شگفت آنکه در نهایت جویندگان عینیت، چه بسا بی آنکه بدانند ناچار شدند تا یکی از مهم ترین نظام های فراوری عینیت در علم، یعنی اندازه گیری، را بر بنیاد «ذهن گرایی» استوار کنند، : بررسی تحلیلی پیشینه و مبنای اندازه گیری روانی و تحلیل انتقادی نوشتارگان مرتبط با آن آشکار می کند که یعنی اگر چه اتکاء به «نظریه همسانی» به عنوان شکلی از اشکال «یگانه انگاری ماده گرایانه» راه حلی هستی شناختی است که عموماً علم گرایان در «عالم نظر» پیشنهاد کرده اند و می کنند، اما آنچه واقعا و «در عمل» بنیاد هستی شناختی اندازه گیری روان شناختی را تشکیل می دهد، «یگانه انگاری ذهن گرایانه ای» است که از طریق رویکرد «عملیات گرایی»، به گونه ای نه چندان آشکار و هشیارانه، به روان شناسی و علوم اجتماعی وارد شده است.

کلمات کلیدی:

اندازه گیری روان شناختی، ایراد کمیت، نظریه همسانی، یگانه انگاری، ذهن گرایی، عملیات گرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1298818>

